

تأثیر خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل

چکیده

موقعیت مکانی مطبخ در هر خانه‌ای، بیان‌کننده خصوصیات فرهنگی ساکنان و نوع باورهای آن‌ها به محرمیت و حجاب است. این مقوله میزان و شیوه ارتباطات اجتماعی آنان را مشخص می‌کند. بنابراین باید گفت بین هویت فضایی و جنسیت نوعی ارتباط وجود دارد. بررسی این موضوع در خانه‌های تاریخی مربوط به دوره قاجار در شهرهای خرم‌آباد و اردبیل می‌تواند به نوعی پیشینه تاریخی این مسئله را روشن سازد. نوع این پژوهش کیفی است و از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها اسنادی و میدانی می‌باشد. مبانی نظری تحقیق بر این نکته استوار است که محرمیت و جنسیت در شکل‌گیری فضاهای گوناگون در خانه به‌خصوص مطبخ که عمده‌تاً مکان استقرار زنان و حضور آن‌ها بوده، تأثیر داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چگونه ساختارهای فرهنگی متفاوت در دو شهر خرم‌آباد و اردبیل باعث ایجاد تفاوت‌هایی در سبک چیدمان فضاهای داخلی به‌خصوص مکان مطبخ شده است؛ در شهر اردبیل مطبخ‌ها در زیر زمین ساخته شده است و از دید نامحرمان به دور و فقط افراد حاضر در مطبخ دید به محیط بیرون داشته‌اند، در حالی که در شهر خرم‌آباد مطبخ در کنار حیاط قرار داشته است و موضوع محرمیت و دور از دیدرس بودن آن مانند مطبخ‌های اردبیل مطرح نبوده است.

اهداف پژوهش:

۱. تدوین راهبردهای کلان اصلاح فرآیند تولید مسکن در شهر اردبیل و خرم‌آباد به منظور تسهیل امکان بروز انطباق میان مسکن و سبک زندگی مردم عام.
۲. تبیین میزان تأثیرگذاری نقش جنسیت در شکل‌گیری مسکن در شهرهای اردبیل و خرم‌آباد.

سؤالات پژوهش:

۱. بازتاب جنسیت و سبک زندگی در معماری خانه‌های قدیمی اردبیل و خرم‌آباد چگونه است؟
۲. آیا جنسیت در نقشه‌های خانه‌های مربوط به دوره قاجار تأثیرگذار بوده است؟

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، محرمیت، جنسیت و فضا، مطبخ، خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل.

مقدمه

مسکن که در راستای یک رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده، تنها یک ساختار کالبدی نیست؛ بلکه پدیده‌ای فرهنگی می‌باشد و هدف آن ایجاد یک واحد اجتماعی سنتی، براساس نیازهای کاربران در شرایط تکنولوژی، اعتقادی و اجتماعی آن دوران بوده است و بدون آگاهی و شناخت از آن‌ها، محیط‌های سنتی قابل درک نخواهند بود. از سوی دیگر، مفهوم مسکن به‌عنوان کانون زندگی خانوادگی برای انسان در زمان و مکان، همواره مختلف بوده و این مفهوم تابع انتظارات و توقعات ساکنان و پاسخ به آن بوده است. تنوع الگوهای مسکن و معماری برگرفته از عوامل طبیعی، تاریخی، جغرافیایی، فلسفی، دینی، هنری و زیبایی‌شناسی انسان‌هایی است که در یک بستر تاریخی طولانی، آن‌ها را پدید آورده‌اند. مسکن در زمان و مکان و محیط‌های مختلف معانی متفاوتی داشته، هر جامعه به فراخور نیازها، استعدادها، امکانات و محدودیت‌ها اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش شکل خاصی بدان بخشیده است. در شکل‌دهی هویت جنسیتی، عوامل متعددی شرکت داشته‌اند که می‌توان به عوامل طبیعی (محیط جغرافیایی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند عقاید و باورها و آموزه‌های دینی و آداب و رسوم قبیله‌ای اشاره نمود. هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی در جامعه سنتی گذشته ایران، فضای درونی خانه را متعلق به زنان و فضای عمومی خارج از خانه را متعلق به مردان می‌داند. به گونه‌ای که محدوده امن زنان ایرانی در قرون گذشته و حتی هم اکنون در برخی از شهرهای کهن ایرانی، فضای خانه و فضای نیمه خصوصی چند خانه، بن بست‌ها و هشتی کوچه‌های فرعی بوده است. هویت زن در فضای خصوصی تعریف شده است و نقش وی در جامعه مختص به خانه داری و تربیت و باروری فرزند بوده است.

میزان و نحوه ی تاثیرپذیری "هویت جنسیتی" بر "هویت فضایی" با توجه به اقلیم هر منطقه و شرایط محیطی، تشدید و یا تضعیف گردیده است. به گونه‌ای که در اقلیم گرم و خشک کویری، به دلیل نیاز به فضاهای درون‌گرا، حائل‌های فضایی گسترده‌تر شده، در مقابل در آب و هوای سرد و کوهستانی شهرهای شمال غربی ایران، نیاز به بسته بودن هوا در فضای داخلی، منجر به افزایش این حائل‌ها و تبدیل آن‌ها به مرزهای پر رنگ جنسیتی گردیده است. علاوه بر آن، تفاوت بین حوزه عمومی و حوزه خصوصی، کار بیرون و کار درون خانه و تقسیم نقش خانگی و نقش اجتماعی در شهرهای شمال غربی بیشتر از شهرهای نقاط دیگر دیده می‌شود؛ برای مثال حضور زنان در فضاهای عمومی شهرهای شمال غربی ایران در قامت‌وار در زمین‌های کشاورزی و انواع دیگر کارها برای تامین مخارج خانواده امری غیر قابل پذیرش بود. همین امر، شاید مرز میان حوزه عمومی و حوزه خصوصی و ممنوعیت ورود به حوزه عمومی را در ذهن زنان این مناطق به وجود آورده بود. شیوه معیشت خانواده نیز بر شکل‌گیری "هویت جنسیتی" و نقش آن در "هویت فضایی" تأثیرگذار است. زمانی که زنان مشارکت اقتصادی با مردان ندارند، از نظر موقعیت شرایط متفاوتی دارند. حقیقت این است که زنانی که در مناطق شمال غرب زندگی می‌کنند نسبت به دیگر زنان در مناطق دیگر (خرم‌آباد) موانع بیشتری را داشته‌اند؛ از جمله این موانع میتوان به موقعیت آب و هوایی، اوضاع اجتماعی آن دوره، تعصبات قومی و مذهبی و ... اشاره نمود. حقیقت دیگر آن است که زنان ساکن جنوب غربی ایران (زاگرس نشینان)، طبق رسوم و آیین پیشین در کارهای خارج از منزل فعالیت داشته‌اند؛ اموراتی مانند: دامپروری، شکار، اسب سواری، چوپانی و غیره. که بعدها این طبع برابری را به زنان معاصر هم انتقال داده و

شاهد نمونه‌های برجسته‌ای از زنان شاخص خرم‌آباد هستیم که در جنگ‌ها و میادین مبارزه پای به پای مردان نقش داشته‌اند و این طرز فکر باعث شده که زنان این منطقه (خرم‌آباد) محدود و محصور نباشند. تبعیت از فرهنگ مردم منطقه سبب گشته تا خانه‌های سنتی از ابهام و پیچیدگی در چیدمان فضایی برخوردار نبوده و بسیاری از اتاق‌ها مشرف به حیاط و یا معبر بوده و بدون واسطه با آن‌ها ارتباط داشته‌اند. به نظر می‌رسد انسان که به دو گونه بر مبنای جنسیت تعریف می‌گردد، از مساحمه و ملایمت بیشتری برخوردار است. در نتیجه می‌توان بر اساس تعامل آزاد میان مردم لرستان، در معماری مسکونی نیز از تمامیت خواهی مردسالارانه نشان‌های کمتری یافت و کنش‌هایی را که بر مبنای خصایص ویژه مرد شکل گرفته و بر معماری اثر گذار است، در شرایط حداقلی ملاحظه نمود. که این نکته در جامعه اردبیل به واقع به صورت بالعکس مشاهده می‌گردد. این در حالی است که در استان اردبیل زنان تنها برای رفع نیازهای مهم از منزل خارج شده و در هیچ یک از فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه مشارکت ندارند.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا نوشتار حاضر برآن است تا به روش توصیفی و و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی به بررسی این موضوع بپردازد.

۱. معماری و جنسیت

به طور کلی، با نگاهی به معماری مسکونی گذشته، حرمت زنانگی فضاها را می‌توان درک کرد. بزرگ‌تر بودن مطبخ از اتاق خواب، باز شدن پنجره‌ها رو به حیاط، دیوارهای بلند، وجود فضاهای اندرونی و بیرونی بر این موضوع صحنه می‌گذارند. «می‌توان گفت شاخص ارزشی معماری ما، در توجه به کارکردهای نظام جنسیتی، احترام به خواسته‌های جنسیت‌ها و فضاهایی با عملکردهای مناسب زندگی بوده است» (حق لسان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰). «در پیکربندی مسکن سنتی، فضاهایی که به طور زنانه جنسیت داده می‌شدند شامل: فضای مطبخ، اتاق مخصوص پخت نان و فضاهای جانبی آن، و نیز فضاهایی با نام "گوشواره" بودند که به صورت بالکن در طرفین تالار یا شاه نشین طراحی می‌شدند و محلی برای استقرار زنان جهت تماشای مراسمی بودند که در تالار اجرا می‌شد؛ مانند آن چه در خانه بروجردی‌های^۲ کاشان و خانه قدکی^۳ تبریز وجود دارد. این مصادیق، بیانگر توجه معمار سنتی به لزوم تفکیک فضایی بر اساس فرهنگ حاکم بر جامعه و طراحی متناسب با آن است» (سیراد، ۱۳۹۵: ۴۴).

موضوع جنسیت و معماری مبحثی پیچیده است و در حال حاضر کسانی که در معماری به مقوله‌ی جنسیت توجه دارند از پیروان جنبش برابری طلب زنان در سایر زمینه‌ها الهام می‌گیرند؛ زیرا مطالعات پایه در رابطه با موضوع جنسیت متعلق به این گروه بوده و اشاره به مطالعات آنان اجتناب‌ناپذیر است (کامی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). رژماین تیلیون^۴، مردم شناس فمینیست^۵ فرانسوی و از فعالان این حوزه، در خصوص نابرابری جنسیتی می‌نویسد: «محیط کوچک و بسته خانواده، سرسختانه می‌کوشد تا شخصیت‌اش را در میان بیگانگان، حفظ کند. از این رو برای آن که آیین پرستش و تبار مردانه، ادامه یابد و در انتقال نطفه‌ی مقدسی که ارثیه نیایی است که خانواده به نامش خوانده می‌شود، دمی وقفه پیش نیاید، زنان را هر چه تنگ تر، مهار و دربند می‌کنند» (تیلیون، ۱۳۹۰: ۶۳). روزه باستید^۶، مردم شناس و جامعه‌شناس فرانسوی، در کتاب "هنر و جامعه"، یکی از علل ظهور

معماری درون‌گرا را نحوه پوشش زن در مناطق گرم می‌داند که در کنار سایر عوامل موجب پدیداری این نوع معماری بوده است. «آب و هوای خشک این سرزمین‌ها، هجوم قبایل کوچ‌نشین به شهرها، اعتقادات دینی مبنی بر محفوظ نگاه داشتن زنان از نگاه نامحرم، از طریق محصور کردن محیط اندرونی با دیوارهای بلند در معماری این گونه سکونت گاه‌ها دخالت داشته است» (باستید، ۱۳۷۴: ۳۲۹). از این رو فرهنگ لباس مردم خرم‌آباد و فضاهای رو به حیاط معماری آن در تطابق با اردبیل، باز تعریفی بر معماری نیمه برون‌گرا بوده است. حال آنکه با توجه به پوشش زنان اردبیل و معماری پیچیده خانه‌ها و وجود دالان‌ها و هشتی‌ها می‌توان چنین بیان کرد که معماری درون‌گرایی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

ارتباط اجتماعی زنان و مردان خرم‌آبادی در قالب کار کشاورزی و امرار معاش موجب تفاوت شیوه زندگی و خانه‌سازی شده و برون‌گرایی خانه‌های خرم‌آباد را موجه می‌سازد؛ اما تعصب بیشتر خانواده‌های اردبیلی به مذهب و حجاب، بر شکل خانه تأثیر گذارده و فضاهای معماری را محصورتر ساخته است. ساختار فضایی خانه معطوف به فرهنگ و سبک زندگی آن شهر است. به این معنا که پلان خانه‌های اردبیل به تناسب محصوریت بیشتر خانه، کنترل شده تر از خانه‌های خرم‌آباد است؛ به این ترتیب، در اردبیل با جدا کردن مطبخ، خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی، محرمیت را تأمین می‌کرده است. مطبخ خانه‌های قاجاری اردبیل، به‌طور عمده از نوع مخفی واقع در زیرزمین بوده است، که از طریق دالان به حیاط خانه راه می‌یابد؛ در مقابل، مطبخ بسیاری از خانه‌های خرم‌آباد آشکار واقع در همکف بوده است که به‌طور مستقیم به حیاط اصلی خانه متصل می‌شود. از آن جا که در خانه‌های اردبیل، دالان‌ها و هشتی‌ها و حیاط و بخش خدماتی وجود دارد؛ فرهنگ نقش اصلی و تعیین‌کننده عرصه‌های اندرونی و بیرونی را داشته و برای بخش خدماتی، اغلب ورودی جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شد. اما در خانه‌های خرم‌آباد مانند خانه کشفی^{۱۵}، عمارت به صورت یک دست و یکپارچه درون محوطه قرار دارد و ورودی مستقیماً و بدون عنصر محرمیت به حیاط خانه راه می‌یابد. موقعیت عمومی مطبخ در خانه‌های اردبیل، در زیرزمین یا در انتهای‌ترین نقطه خانه دور از دسترس بوده است؛ و افرادی که درون حیاط حضور داشتند نمی‌توانستند درون مطبخ را ببینند اما حاضران در مطبخ از طریق پنجره‌هایی دید به حیاط داشته و متوجه آمدن محرمان و نامحرمان می‌شده‌اند اما در خانه‌های خرم‌آباد مطبخ‌ها چنین موقعیتی نداشته بلکه مطبخ‌ها در دسترسی‌ترین قسمت خانه بوده و همه حاضران در حیاط و مطبخ به یکدیگر دید داشته‌اند.

منابع

- ارباب معروف، آزاده. (۱۳۹۶). ارائه الگوهای طراحی مسکن معاصر ایران با بهره‌گیری از معماری مسکونی دوره پهلوی اول در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- الهی‌زاده، محمدحسن؛ سیروس، راضیه. (۱۳۹۳). «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، فصلنامه سبک زندگی دینی. ۱(۱)، ۴۲-۴۸.
- امینی، امیر حسین و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). «بررسی تحلیلی پیرامون بحران معماری و شهرسازی و پدیده شناسی گونه‌های خانه». فصلنامه مدیریت شهری، ۴۶، ۹۴-۷۸.
- اوبن، اوژن. (۱۳۹۰). سفرنامه اوژن اوبن ایران امروز. (ترجمه علی اصغر سعیدی). تهران: نشر علم.
- باستید، روژه. (۱۳۹۶). هنر و جامعه. (ترجمه غفار حسینی). تهران: نشر توس.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۹). معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). «فرهنگ و مسکن». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۰(۱۳۴)، ۳-۱۸.
- تیلیون، ژرمین. (۱۳۹۰). هویت جمعی در شناسایی مصادیق فرهنگ. (ترجمه جلال ستاری). تهران: نشر مرکز.
- جیحانی، حمیدرضا و همکاران. (۱۳۹۸). «گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی دوره قاجاریه نراق». ۳۸ (۱۶۷)، ۱۳۰-۱۱۵.
- حق لسان، مسعود؛ ایرانی، مهری و نیکنام، سودا. (۱۳۹۹). «مطالعه سیر تحول ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران از بعد کالبدی و ارتباطی با روش نحو فضا نمونه موردی: خانه‌های دوره قاجاریه و پهلوی تبریز». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۷۲، ۱۷-۳۲.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۱). فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم، تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیراد، آیرین. (۱۳۹۵). در خانه؛ انسان‌شناسی فضای خانگی. (ترجمه غزنویان و دیگران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- صفری، بابا. (۱۳۷۱). اردبیل در گذرگاه تاریخ (سه جلد). اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- عباس زاده، مظفر و بهجت، حمید. (۱۳۹۹). «واکاوی ساختار معماری خانه‌های تاریخی و سنتی روستای سپورغان شهرستان ارومیه». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۹(۱۷۰)، ۸۲-۶۷.

کامی شیرازی، سیده مهسا؛ سلطان زاده، حسین و حبیب، فرخ. (۱۳۹۷). «تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه.ش». پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فصلنامه علمی پژوهشی، ۹(۲)، ۳۳-۷۰.

کیائی، مهدخت؛ سلطان زاده، حسین و حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۸). «سنجش انعطاف پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا؛ مطالعه موردی: خانه های شهر قزوین». باغ نظر، ۱۶(۷۱)، ۶۱-۷۶.

مداحی، سید مهدی؛ معماریان، غلامحسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل پیکره بندی فضایی خانه های بومی با رویکرد نحو فضا نمونه موردی: شهر بشرویه». مسکن و محیط روستا، ۱۵۶، ۴۹-۶۶.

مرادی نسب، حسین. (۱۳۹۹). «تبیین جایگاه حریمیت در نسبت با قلمرو و خلوت در مسکن سنتی ایران بر پایه آموزه های اسلامی». فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۹ (۱۷۲)، ۶۰-۴۷.

محمدی اصل، محمد. (۱۳۹۷). گونه شناسی خانه های تاریخی خرم آباد (سبک معماری لری). خرم آباد: شاپورخواست.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۶). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: نشر کتاب هرمس.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: نشر شیرازه.

میل، جان استوارت. (۱۳۷۷). کنیزک کردن زنان. (ترجمه خسرو ریگی). تهران: نشر بانو.

وحدت طلب، مسعود؛ حیدری، شهرام. (۱۳۹۸). «بازخوانی نحوه بروز زنانگی در معماری دوره تیموری با تمرکز بر مؤلفه های بصری نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد». زن در فرهنگ و هنر. ۱۱(۴)، ۴۵۹-۴۷۹.

ورمقانی، حسنا؛ سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۷). «نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل گیری خانه مقایسه خانه های قاجاری گیلان و بوشهر». نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۲۳، ۱۳۴-۱۲۳.